

## پاسخنامه تشریحی

- ۱ - بیت اول: استعاره: چین و شکن مو استعاره از امواج آب / تشخیص: نگاه کردن ماه به رخ خود / ماه رخ خود را می بیند ← تشخیص و استعاره مکنیه  
بیت دوم: تشبیه: چشمه ← مانند صدف و تیر / تشخیص: نسبت دادن دهان به صدف و چشمه / جناس بین صدف و هدف / تناسب هدف و تیر
- ۲ - دریا فریاد می کشید طوری که با فریادش گوش آسمان را کر کرده بود و از خشم چشمانش سیاه شده بود و باعث ترس و وحشت همه می شد.
- ۳ - الف) اجازه دهد ما کمی بیشتر در حمام بمانیم تا چرک و آلودگی خود را پاک سازیم.  
ب) این مرد پارسی هم آن قدر توانایی مالی نداشت که به حال من رسیدگی کند.  
پ) وقتی که نامه مرا بخواند، متوجه شود که شایستگی من چه میزان است.  
ت) ما را با بخشش و احترام زیاد از راه دریا فرستاد، به گونه ای که با احترام و آسایش به پارس رسیدیم.
- ۴ - الف) آسایش / ب) روانه کردن / پ) نعمت بخشیدن / ت) رخت کن حمام
- ۵ - مصلح گرمابه ← مسلخ گرمابه / رغعه و نامه ← رقع و نامه / فاضل و ادیب ← فاضل و ادیب / عذر خاستن ← عذر خواستن
- ۶ - الف) عطف / ب) ربط / پ) ربط / ت) عطف
- ۷ - الف) کام ← ۱ - دهان ۲ - آرزو  
ب) قلب ← ۱ - دل ۲ - سگه تلقبی  
پ) شیرین ← ۱ - نام معشوقه فرهاد ۲ - نوعی مزه  
ت) نگران ← ۱ - مضطرب ۲ - نگاه کننده
- ۸ - الف) از بهر / ب) حیات / پ) نقض / ت) قصه / ث) خویش / ج) خار
- ۹ - الف) قرآن مانند آب جاری؛ آب باعث زنده بودن بدن انسان می شود ولی قرآن باعث زنده بودن روح.  
ب) در آغاز، زندان و چاه است و در نهایت تخت و جایگاه فرمانروایی.  
پ) نمی بینی که یوسف به خاطر چهره زیبایش، گرفتار زندان شد اما به خاطر اخلاق خوبش، به فرمانروایی رسید.  
ت) در برابری زشتی، صلح و آشتی را به کار گرفت و در مقابل فرومایگی، بزرگواری کرد.
- ۱۰ - پایافزار: کفش / تنگ مایه: محدود / هرا: آواز مهیب / تحیر: تعجب / تبار: خاندان
- ۱۱ - الف) لؤلؤ: سخن ارزشمند / ب) لعل: لب / قند: سخن ارزشمند / دُر: سخن محبت آمیز / پ) گهر: سخن ارزشمند / حقه لعل: دهان / شکر: لب / مروارید: دندان
- ۱۲ - انسان های شجاع و پر تلاشی که نمی توانند جایی ساکت و بی تحرک بنشینند، همچون «زمندگان داوطلب جبهه های جنگ و جهاد»
- ۱۳ - ۱ - ما می دانستیم (که) شما نمی آید.  
جمله هسته حرف ربط وابسته ساز جمله وابسته
- ۲ - ما شین پدرم روشن نمی شد چون هوا سرد شده بود  
جمله هسته حرف ربط وابسته ساز جمله وابسته
- ۱۴ - رود خلق ← خلق (مشبه) / رود (مشبه به)  
رود خلق (مشبه) / دریای جوشان (مشبه به)  
خوشه ششم ← خشم (مشبه) / خوشه (مشبه به)  
خرمن من (مشبه) / خوشه های خشم (مشبه به)
- ۱۵ - یخ زده - بی رمق - نالان و ناراحت
- ۱۶ - گزینه ۴ ترگ: کلاه خود / بارگی: اسب، باره هم به همین معنی است. / خصم: دشمن / جنود: جمع جند، لشکریان، سپاهیان.
- ۱۷ - گزینه ۴ افسر: تاج، در بیت صورت سؤال شاعر می خواهد، آفتاب، افسر شاهی ممدوحش باشد.
- ۱۸ - گزینه ۴ خود، به معنای کلاه خود است.
- ۱۹ - تأثیر مخرب همنشین بد بر زندگی انسان
- ۲۰ - الف) جز غذای شاهانه، غذای دیگری نخور که جان با آن غذا، پرورش می یابد.  
ب) لحظه ای آب خوردن پس از مرگ انسان بدخواه، از یک عمر طولانی لذت بخش تر است.  
پ) حتی شتر هم از شعر عرب به وجد می آید. اگر تو این نشاط را نداشته باشی، جانور بی ذوقی هستی.  
ت) کبوتری که دیگر آشیان و پناهی ندارد، تقدیر او را به سوی دانه و دام می کشاند.
- ۲۱ - گزینه ۱ «را» در گزینه های ۲ و ۳ و ۴ مفعولی است؛ اما در گزینه ۱ «حرف اضافه» است.
- ۲۲ - گزینه ۲ در گروه «آن متن» متن هسته گروه اسمی است.